

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

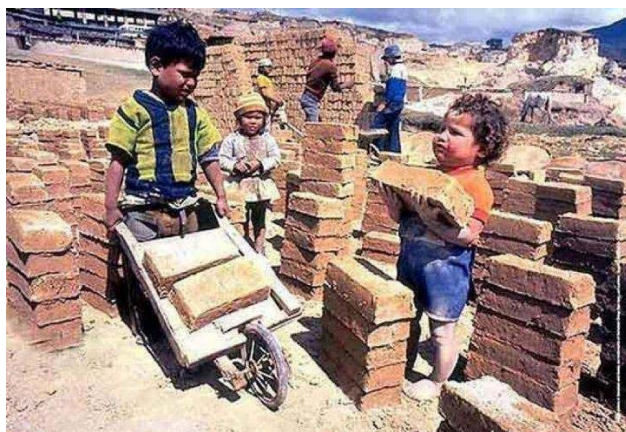
محمد عمر قریشی- کابل

۰۱ جون ۲۰۱۸

"کودک کار" ننگ یک ساختار اقتصادی-اجتماعی

۳

پنجشنبه- ۱۰ جوزا ۱۳۹۷- کابل: آنچه در رسانه ها از آن به مثابه "کودک کار" نام برده می شود و در احصائیه ها از آنها یادآوری به عمل می آید در واقع نوع سوم "کودک کار" است که به صورت علنی و به شکل بسیار ظالمانه آن، آنها صرف در شهر ها و یا حومه آن به کار مشغول می باشند.



هموطنان عزیز!

این طیف که در کل به نحوی ادامه کار اعضای ارشد خانواده در بازار کار به شمار می روند، تقریباً در تمام ساحات به کار مشغول بوده شدید ترین روابط استثماری بالای آنها تطبیق می گردد. در مقایسه با سایر مشاغلی که آنها انجام می دهند شاید بتوان گفت، "بوت رنگی" و "فروشنده" در جمع آسانترین آنها به شمار می روند. آسان در مقایسه با "خشت زنی"، "آهنگری"، "مزدورکاری و کار در ساختمان".

اینها که اکثراً کمتر از ده سال سن دارند در همین کارهای به اصطلاح آسان هم ناگزیر اند از صبح زود الی شام، بعضی مواقع بیشتر از ۱۲ ساعت یا در کنار یک دیوار و سایه و یا هم پیتو آفتاب- نظر به فصل و موسم- نشسته منتظر باشند تا یکی دو نفر بوتهایش را پالش دهد و یا هم تنگی را بر گردن آویخته، تمام روز بکوشد تا چند نخ سیگرت را به فروش برساند تا لقمه نانی برای خود و خانواده اش پیدا نماید، در تمام مدت هیچ چیزی از جامعه دریافت نمی دارد. نه

تحصیل وجود دارد، نه داکتر، نه دوا و نه هم امکان اسکان. کودکانی با چنین حالتی کسانی اند که در یک جزیره وحشت رها شده و هریک مجبور اند خود راه و شیوه زنده ماندن را بیاموزند.

از این گل سرسبد "کودکان کار" که بگذریم و واقعیت زندگانی اکثریت بیش از ۹۰ درصد آنها را که متناسب با سن و سال شان به کارهای شاق در تمام انواع آن اشتغال دارند بپردازیم به جرأت گفته می توانیم که اگر دوزخی وجود داشته باشد اینها چیزی به جز همان فرزندان دوزخ نیستند که در دوزخ ساخته شده به وسیله جامعه در بین آتش و دود تنفس می کنند و با فرو بردن هر نفسی، خود را به مرگ محتوم نزدیکتر می سازند.

این مناسبات اقتصادی - اجتماعی که چنین بیرحمانه حتماً به جان کودکان میهن ما افتاده، همان مالکیت خصوصی، کارمزدی و تقسیم ناعادلانه ثروت است که فعلاً به شکل بازار آزاد و نیولیبرالیسم اقتصادی، خون خلقها را می مکد. حال که صحبت به ساختار اقتصادی-اجتماعی کشیده شد و موجودیت "کودک کار" را لکه ننگ دامن تمام ساختارهای اقتصادی اجتماعی معرفی نمودیم که باعث پیدایش "کودک کار" در جامعه می گردد، بیجا نخواهد بود حد اقل در مقام مقایسه بیفزائیم از چنین منظری به گواهی تاریخ، کشور هائی که در آنها ساختمان سوسیالیسم وجود داشت، در مقایسه با جهنم جوامعی با ساختارهای اقتصادی- اجتماعی، بازار آزاد و مالکیت خصوصی، بهشت برینی بود که در آنها نه تنها "کودک کار" اصلاً و مطلقاً وجود نداشت، بلکه در پاسخ با سؤال سطح رفاه اجتماعی، "کودکان" در خط مقدم رفاه قرار داشتند.

برای انسان امروزی هرگاه مطالعه ای به ارتباط این قضیه به صورت مقایسه ئی داشته باشد، یقین حاصل می نماید که بقای بشر و انسانیت صرف می تواند در پرتو یک ساختار اقتصادی - اجتماعی در چنان جامعه ای تضمین گردد که در آن جامعه آینده کودکان تضمین شده باشد و این مقدر نیست مگرتلاش به خاطر پیروزی انقلابات کارگری و گام گذاشتن در مسیر ایجاد جوامع انسانی و کودک نگر.

دیده شود چه می شود!!